

واکاوی زمینه‌های اجتماعی - سیاسی رشد تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان

نیره زبرجدی*

چکیده

سده‌های پنجم و ششم هجری دوره‌ای درخشان در رشد علمی جوامع اسلامی بود و دانشمندان شیعه نیز در این روند مشارکت داشتند. نخبگان شیعی براساس چارچوب‌های فقهی خود و اتخاذ سیاست میانه‌روی در مراتب مختلف حکومت حضور یافته، اقدامات مهمی را در حوزه‌های دانش (آموزش، تربیت شاگردان، تألیف کتب) و رشد نهادهای مربوط (تأسیس مدارس) و ترویج مذهب شیعی به ثمر رساندند. در نتیجه این فعالیت‌ها بالندگی مذهب شیعه امامی در این دوره رقم خورد. در این مقاله زمینه‌های اجتماعی سیاسی رشد تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان مورد بررسی قرار گرفته تا به این سوال پاسخ داده شود که با وجود سیاست دینی سلجوقیان در جانب‌داری از مذهب اهل سنت، چگونه تکاپوهای علمی عالمان شیعی افزایش یافت؟ براساس داده‌های موجود، این فرض مطرح می‌شود که بروز مباحث جدید و لزوم مواجهه با برخی چالش‌های درون دینی و برون دینی و نیز بروز برخی علایم بحران در نظام اندیشه‌ای جامعه اسلامی در آن دوره، زمینه‌ساز انگیزه و تحرک شیعیان برای حرکت و تلاش علمی گردید.

واژگان کلیدی

شیعیان، علمی، سیاسی، سلجوقیان، اجتماعی.
پژوهش‌های فلسفی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسئله

سقوط آل بویه در سال ۴۴۸ ق و اقتدار یافتن غزنویان (۳۶۶ - ۵۸۲ ق) و سلجوقیان (۴۲۹ - ۵۹۰ ق) اگرچه در نظر بدوی، امری مربوط به تاریخ سیاسی می‌باشد اما اثرات فرهنگی و علمی انکار ناپذیری برجای نهاده است. آل بویه به‌عنوان سلسله‌ای شیعی‌مذهب، شرایط بسیار مساعدی را برای رشد علمی امامیه در ایران و عراق فراهم نمودند. اما هم غزنویان و هم سلجوقیان سلسله‌هایی متکی بر اسلام سنی بودند که در طی حاکمیت آنان دو مذهب حنفی و شافعی به تناوب در آن اقتدار یافتند و عموماً شرایط مساعدی برای رشد علمی امامیه فراهم نبود. این روند در ابتدای دولت سلجوقیان دچار چالش محسوسی شد اما با گذر زمان و فقدان شخصیت‌های متعصب مذهبی همچون طغرل بیک، آلبارسلان و کندی حنفی در مناصب حکومتی، اندک اندک وضعیت تغییر پیدا کرد. علی‌رغم تکذیب‌های گاه‌ب‌گاه برخی منابع، شیعیان همواره طیفی مقبول و محبوب در جامعه اسلامی محسوب شده و در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی جامعه تأثیرگذار و صاحب نفوذ بوده‌اند. علاوه بر این با وجود همه مخالفت‌ها و کشمکش‌های فرقه‌ای، بسیاری از مسلمانان و حتی برخی از بزرگان سلجوقی، به شیعیان امامیه به دیده احترام نگریسته و با ملایمت بیشتری برخورد می‌نمودند. این امر معلول نقش دقیق و مثبتی بود که شیعیان امامیه در آن عصر ایفا کردند. آنان توانستند با در پیش گرفتن سیاست میانه‌روی و اعتدال - به‌خصوص با حضور عالمان شیعی عقل‌گرا که تسامح را مبنای کار خود قرار داده بودند - فعالیت اسماعیلیان تندرو را که مانع از توجه سلاطین سلجوقی به شیعیان امامی می‌گردید، خنثی کنند. زیرا شیعیان تلاش داشتند از بروز هرگونه درگیری با سلاجقه - که به نابودی آنها می‌انجامید - خودداری کنند، زیرا در صورت درگیری نمی‌توانستند اهداف اصولی و دراز مدت خود را محقق سازند.

طرح موضوع و مسئله

موضوع تکاپوهای علمی عالمان شیعه امامیه در سده‌های پنجم و ششم هجری، بسیار درخور بررسی است. دانش‌وران شیعی در هر برهه از تاریخ و بنابه اقتضات و نیاز جامعه اسلامی و با در نظر گرفتن شرایط خاص اجتماعی و سیاسی، فعالیت‌هایی بر اساس مبانی قرآن کریم و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در راستای تحصیل علم و دانش به انجام رسانیده‌اند. در دوره آل بویه بنا به رعایت جانب شیعیان، شرایط بهتری برای فعالیت‌های علمی آنان فراهم بود. اما در دوره سلجوقیان که زمانه رونق مذهب اهل سنت و کم‌توجهی به شیعیان بود، تغییراتی در شرایط فعالیت‌های علمی و حضور اجتماعی و سیاسی عالمان شیعی رخ داد. اگرچه در کلیت امر این وضعیت روند رو به رشد علمی آنان را کند نکرده و بلکه افزایش هم داد، از این رو ضروری است این امر مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا چگونگی و چرایی افزایش تکاپوهای علمی عالمان شیعه روشن شود. مسئله تحقیق حاضر چنین است که پویایی عالمان شیعی، تحت تأثیر سیاست‌گذاری رسمی حکومت سلجوقی در حوزه فرهنگی و مذهبی قرار داشت یا از چالش‌های سیاسی و فکری کلان و رویارویی‌های فکری و علمی اهل سنت و شیعیان در این دوره متأثر بود؟ برای بررسی مسئله مورد نظر باید به این سؤال پاسخ داد: زمینه‌های اجتماعی - سیاسی در افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در این دوره چه بود؟

در ارزیابی سؤال ذکر شده، فرضیه‌ای به شرح زیر مطرح است که در خلال تحقیق بدان پرداخته می‌شود:

براساس داده‌های موجود به نظر می‌رسد که در دوره سلجوقیان سیاست‌گذاری رسمی در حوزه فرهنگی و مذهبی درون قلمرو آنان و نیز چالش‌های سیاسی و فکری دو حوزه کلان اهل سنت (خلافت عباسی) و تشیع (خلافت فاطمیان) زمینه‌ساز انگیزه و تحرک شیعیان برای حرکت و تلاش علمی شیعیان گردید.

مرور اولیه آثار موجود نشان می‌دهد، پژوهش حاضر پیشینه‌چندانی ندارد، به جز رساله دکترای نگارنده تحت عنوان «دستاورد های علمی شیعیان در دوره سلجوقیان» و نیز مقاله نگارنده با عنوان «حضور شیعیان در مناصب سیاسی - اداری سلجوقیان» که به چرایی و چگونگی تمایل شیعیان به همکاری با حکمرانان سلجوقی و دستیابی آنان به مقام‌های طراز اولی همچون وزارت می‌پردازد، اما تحقیق حاضر به دنبال بررسی علل و عوامل اجتماعی - سیاسی است که سبب افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان شده است.

۱. اوضاع اجتماعی شیعیان در دوره سلجوقیان

الف) پراکندگی جامعه شیعی

حضور علویان با فرهنگ و اندیشه خاص خود یعنی مذهب تشیع در یک جامعه به‌طور طبیعی موجب گسترش اندیشه مورد حمایت آنان و قدرت‌گیری شیعیان می‌شود.^۱ فراین نیز حاکی از آن است که سادات حسنی به‌ویژه نقبای ایشان همچون سادات و نقبای حسینی، با اقتدار و به‌طور همه‌جانبه از فرهنگ تشیع در سرزمین‌هایی که شیعیان حضور چشمگیر داشتند، حمایت می‌کردند. به‌ویژه محدثان شیعی که به نشر احادیث اهل بیت^{علیهم‌السلام} و تربیت شاگردان و فزونی توانمندی علمی همت می‌گماردند، براین اساس به‌منظور آگاهی از حضور چشمگیر شیعیان در مناطق مختلف، به توصیف پراکندگی جامعه شیعی می‌پردازیم.^۲

- منطقه خراسان^۳

یکی از شهرهای پیشگام در تشیع در منطقه خراسان، سبزوار (بیهق)^۴ بود. ریشه‌های تشیع بیهق به اواسط قرن اول هجری برمی‌گردد^۵ که حضور امام رضا^{علیه‌السلام} در نیشابور یکی از عوامل مهم گسترش تشیع در این منطقه بود.^۶ نیشابور^۷ و ماوراءالنهر^۸ نیز از دیگر نواحی شیعه‌نشین خراسان بود.

- جبال

شهر ری یکی از نواحی منطقه جبال بود که مستوفی می‌گوید: «مذهب تشیع امامی از قرن پنجم هجری در ری یک مذهب قدرتمند بود».^۹ از دیگر نواحی جبال ناحیه ورام بود، در معجم البلدان آمده که: «اهالی ورام (ورامین)

۱. زیرا علویان حاملان اصلی اندیشه شیعی محسوب می‌شوند، چنانکه قزوینی می‌نویسد: «علوی جز شیعه نباشد». (نک: قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۲۲۶)

۲. برای مطالعه بیشتر درباره پراکندگی جامعه شیعی در دوره سلجوقیان به پایان‌نامه دکتری نگارنده مقاله حاضر رجوع کنید. (ر.ک: زبردی، *دستاوردهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان*، ص ۲۱۶ - ۱۹۳)

۳. بزرگ‌ترین نواحی خراسان در دوره اسلامی سبزوار، نیشابور، مرو، بلخ و هرات بود. (نک: ادربیسی، *نزهة المشتاق*، ج ۲، ص ۶۹)

۴. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۴۱۷.

۵. گردیزی، *زین‌الخبار*، ص ۲۳۲.

۶. یکی دیگر از عوامل ترویج تشیع در بیهق مهاجرت سادات نیشابور، بغداد و ری از اوایل قرن دوم هجری بود و در دوره‌های بعد ساداتی نیز از قم به سبزوار آمده‌اند؛ (نک: همان، ص ۵۴، ۶۰ و ۶۴) کثرت سادات بیهق سبب شد تا این‌فندق فصلی از کتاب تاریخ بیهق را به سادات اختصاص دهد؛ (ر.ک: همان، ص ۲۸۵) قزوینی رازی می‌نویسد: «در سبزوار مناقب اهل بیت می‌خوانند و مردم آن الا جز شیعه نباشند، هم محل شیعیت و اسلام است و...». (ر.ک: قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۲۰۲، ۲۲۶ و ۳۹۸) می‌توان گفت دلیل مهاجرت بسیاری از سادات به سبزوار، فضای عقیدتی این شهر بوده است. یا قوت می‌نویسد: «فالعقاب علی اهلها مذهب الرافضة الغلاة»؛ (نک: حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۷۸) از دیگر عوامل مؤثر در نفوذ تشیع در این منطقه حضور علمای برجسته شیعی که در دوره سلجوقیان در این منطقه می‌زیستند، بود. از جمله: ابوالفرج یعقوب بن ابراهیم بیهقی (۴۳۶ق)، شیخ رکن‌الدین ابوالحسن سزواری تمیمی (۵۲۹ق)، زید بن حسین بیهقی و فرزندش ابوالحسن فرید خراسان علی بن زید بن حسین بیهقی (۵۶۵ - ۴۹۹ق)، ابوالقاسم علی بن زید بن محمد بن حسین بن فندق (۵۶۵ق)، علی بن محمد قمی (۶۲۰ق). (ر.ک: منتجب‌الدین، *الفهرست*، ص ۷۶)

۷. حاکم نیشابوری حدود بیست نفر از صحابی را نام می‌برد که بیشترشان ساکن این شهر بوده و در همان‌جا فوت نموده و دارای فرزندان و اعیالی بوده‌اند. وی همچنین از چهل و هفت محله شیعه‌نشین در نیشابور یاد می‌کند که یکی از آن محلات محله «دروازه ابوالاسود» است که وی بدان اشاره می‌کند. (نک: حاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، ص ۱۲۳ - ۱۲۲) ابوالاسود ذؤلی کنانی از شیعیان وفادار حضرت علی^{علیه‌السلام} بوده است؛ (ر.ک: طوسی، *الفهرست*، ص ۱۶۴) یکی دیگر از جلوه‌های اقبال مردم نیشابور به اهل بیت پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} نام‌گذاری برخی میادین شهر به نام ذریه پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بوده است. بنا به نقل اصطخری یکی از میادین مهم شهر در مجاورت دارالاماره نیشابور و نزدیک یکی از بازارهای شهر میدان حسینین نام داشت که منظور یک سید حسنی و یک سید حسینی بوده است. (نک: اصطخری، *مسالك و ممالک*، ص ۲۵۵ - ۲۵۴)

۸. شیعیان از زمان سامانیان در ماوراءالنهر مورد توجه و احترام بودند لذا حضور و مهاجرت سادات علوی سرعت و وسعت بیشتری یافت؛ (نک: نسفی، *الفتد فی ذکرعلما سمرقند*، ص ۱۸۱) برآمدن سلجوقیان در سده‌های پنجم و ششم هجری و برخورد تعصب‌آمیز برخی از آنان با شیعیان، خود دلیل دیگری بر مهاجرت شیعیان به سمت مشرق به‌ویژه ماوراءالنهر بود. سمرقند که یکی از مناطق ماوراءالنهر به‌شمار می‌آمد در قرن چهارم هجری از مراکز مهم و اصلی شیعه بود و حتی مسعود عیاشی (م ۳۳۰ق) حوزه علمی فعالی در این شهر تأسیس کرد. (نک: طوسی، *الفهرست*، ص ۳۱۷) قزوینی رازی ضمن پرداختن به رؤسای شیعه در سمرقند و ماوراءالنهر در قرن ششم، حضور شیعیان در آن سرزمین را اثبات می‌کند. (نک: قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۲۳۳) نسفی نیز نام چند تن از عالمان شیعی را یاد کرده است که در سمرقند می‌زیسته‌اند. (نک: نسفی، *الفتد فی ذکرعلما سمرقند*، ص ۹۳)

۹. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۴۵؛ وجود خاندان‌های اصیل شیعه در ری که نسل اندر نسل از عالمان بودند، یکی از دلایل بروز و غلبه تشیع در این شهر است.

همه شیعه‌اند.»^۱ شهر قم نیز در قرون پنجم و ششم هجری از جمله مناطق شیعه‌نشین بوده که همه مردم آن شیعه امامی بودند.^۲ آبه (آوه)^۳ نیز در عموم منابع به‌عنوان یکی از شهرهای مهم شیعه‌نشین معرفی شده و مردم آن به‌عنوان شیعیانی متعصب و وصف شده‌اند تا آنجا که نام آوه تداعی‌کننده یک مرکز مهم و فعال شیعی بوده است.^۴ تفرش و فراهان نیز از دیگر شهرهای امامی مذهب جبال بودند.^۵

– مازندران (طبرستان)

قزوینی رازی گرگان، استرآباد، دهستان و همه بلاد مازندران و بخشی از طبرستان را جزو بلاد شیعه ذکر می‌کند.^۶

– همدان، اصفهان و کاشان

شهر همدان که مسکن اهل سنت بوده، برخی از خاندان‌های شیعی را نیز در خود داشته است.^۷ در شهرهای بزرگی مانند اصفهان و قزوین که بیشتر ساکنان آن شافعی مذهب بودند، شیعیان امامی مذهب نیز در برخی از محلات آن مانند الزهراء، آبهرود و دشتیبی سکونت داشتند.^۸ در روزگار غزنوی و سلجوقی، رجال شیعی دانشمندی از شهر کاشان برخاسته‌اند. بدین‌گونه که برخی از آنان گردانندگان چرخ حکومت سلجوقیان یا خلفای عباسی بوده‌اند.^۹

– عراق

در واقع گسترش تشیع در ناحیه عراق متأثر از مشاهد امامان شیعه و به قدرت رسیدن سلسله‌های شیعه مذهب در این نواحی بود.^{۱۰} شهرهای نجف،^{۱۱} کربلا،^{۱۲} کاظمین،^{۱۳} سامرا،^{۱۴} کوفه،^{۱۵} بغداد،^{۱۶} حله^{۱۷} و محله کرخ مهم‌ترین مرکز سکونت شیعیان و فرهنگ تشیع به حساب می‌آمد.^{۱۸}

- ابن طباطبای تعداد زیادی از شخصیت‌های علوی که در ری ساکن شده‌اند را آورده است که فهرست آن بیش از شصت و پنج علوی بنام‌اند. (نک: ابن طباطبای، *منتقله الطالبیه*، ص ۱۶۷ - ۱۵۱) همچنین از پایدارترین خاندان‌های شیعی که ابتدا در قم و پس از آن در ری می‌زیستند، خاندان بابویه است که تا اواخر قرن ششم شناخته شده‌اند که شیخ صدوق نام بیست و دو تن از عالمان این خاندان را آورده است. (رک به: صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۳۵ - ۳۷)
۱. آن‌طور که حموی گفته: ورام شهری نزدیک ری است و غیر از ورامین می‌باشد. (نک به: حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۳۷۰) عبدالجلیل نیز مناطقی که کلاً یا بعضاً شیعه‌نشین هستند را یاد کرده است از جمله ورامین. (نک: قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۳۴۷)
 ۲. حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۳۹۷؛ مستوفی نقل می‌کند: «مردم قم در مذهب خود نهایت تعصب را داشتند». (نک: مستوفی، *نزاه القلوب*، ص ۶۷)
 ۳. آبه که آن را آوه نیز گفته‌اند، یکی از شهرهای کوچک شیعه‌نشین بود که میان قم و ساوه قرار داشت. (نک: حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۰)
 ۴. قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۴۰؛ راوندی، *راحه الصدور*، ص ۳۱ - ۳۰ و ۳۹۵ - ۳۹۴.
 ۵. همان، ص ۳۹.
 ۶. قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۴۹۳.
 ۷. هنوز نیز آثاری مانند گنبد علویان از شیعیان در این شهر برقرار است که طبق قاعده می‌تواند شاهی بر نفوذ افکار شیعی در این دیار باشد. (نک: شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، ص ۸۰)
 ۸. مستوفی، *نزاه القلوب*، ص ۴۹، ۵۷ و ۷۷۸.
 ۹. راوندی، *راحه الصدور*، ص ۹۸.
 ۱۰. از جمله: بنی مزید (حک: ۵۴۵ - ۳۵۰ ق)، بنی عقیل (حک: ۴۸۹ - ۳۸۰ ق) و بنی مرداس (حک: ۴۷۲ - ۴۱۴ ق) و سایر حکومت‌های شیعی‌ای که در منطقه عراق استقرار یافتند. (رک: ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۰، ص ۱۲۱) همچنین عبدالجلیل در شمار مناطق شیعی از مشاهد ائمه اطهار علیهم‌السلام یاد کرده است. (نک: قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۴۵۹)
 ۱۱. آل محبوبه، *ماضی النجف و حاضرها*، ص ۲۷۵.
 ۱۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل‌ابی‌طالب*، ص ۲۱۵.
 ۱۳. قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۳۸۵.
 ۱۴. قزوینی رازی، *تقصص*، ص ۴۹۳.
 ۱۵. احمد امین، *ظهور الاسلام*، ج ۱، ص ۷۷ و ۲۱۷.
 ۱۶. بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۲، ص ۱۵۳.
 ۱۷. بغدادی می‌نویسد: «شهر خدیثه، حله و مدائن در شش فرسخی بغداد، اطراف رود صُراء و بُراُن نیز از دیگر مناطق سکونت شیعیان امامی بود». (نک: همان، ج ۱، ص ۱۷۴)
 ۱۸. ابن ططقی، *تاریخ فخری*، ص ۲۶۹. احمد امین نیز قائل است که کرخ بزرگ‌ترین پایگاه تشیع در عراق و سراسر قلمرو خلافت عباسی بود و شیعیان اعتبار خاصی برای آن قائل بودند. در عصر سلجوقیان نیز مهم‌ترین مرکز شیعیان امامی بغداد و محله کرخ بود. (رک: احمد امین، *ظهور الاسلام*، ج ۱، ص ۲۱۸)

ب) تعامل علمای شیعی و اهل سنت

مرور اطلاعات منابع تاریخی این دوره نشان می‌دهد علمای شیعه و اهل سنت در مقطع زمانی مذکور در عرصه‌های مختلف علمی و آموزشی با هم تعامل داشته‌اند.^۱ همچنین علمای هردو فرقه در حلقات درسی یکدیگر شرکت جست و با یکدیگر مناظره علمی برگزار می‌کردند و در موارد زیادی در کنارهم می‌زیسته و با هم حشرونشر داشته‌اند. گاه به پای یک سخنران می‌نشسته‌اند و در یک مسجد نماز می‌خوانده‌اند و در مشاغل با هم همکاری می‌کرده‌اند.^۲

همچنین وجود علمای بزرگ اهل سنت همچون ابوالحسن بن سوار مغربی، ابوعلی بن شاذان متکلم، قاضی ابوالقاسم علی تنوخی در شمار استادان بزرگان شیعه چون شیخ طوسی و یاد کرد وی از علمای اهل سنت در آثار خویش^۳ و واگذاری کرسی علم کلام و تربیت متکلمان از جانب دستگاه خلافت به شیخ طوسی گویای این واقعیت است که تعصبات مذهبی که تا پیش از این دوران بر محافل علمی در بغداد حاکم بوده، جایش را به روحیه تعامل علمی داده است.^۴ جلوه دیگری از تعامل علمی میان شیعیان و اهل سنت، نقد آرا و نظریات اعتقادی، کلامی و فقهی طرف مقابل در آثارشان بود که امروزه به فقه مقارن شهرت یافته است، از جمله کتاب *خلاف شیخ طوسی*.^۵

ج) جایگاه اجتماعی شیعیان

برخی از مورخان، شیعیان را اقلیتی منفعل و کنار گذاشته شده^۶ و برخی دیگر دوره سلجوقیان را «دوره انفعال سیاسی نظامی شیعه امامیه و هم‌سازگری آنان با حاکمیت» دانسته‌اند.^۷ اما طبق روایت قزوینی (از علمای قرن ششم هجری) نخبگان شیعه در جوامع شهری و روستایی به‌ویژه در شرق سرزمین‌های اسلامی، نفوذی گسترده داشته‌اند و بسیاری از پایگاه‌های اجتماعی و فرهنگی چون مدارس، مساجد و کتابخانه‌ها در اختیار آنها بوده و به لحاظ سیاسی نیز حضوری فعال در حاکمیت سیاسی داشته‌اند.^۸ نویسنده کتاب *تقصی لیستی* از علمای شیعه در شهرهای مختلف را ذکر می‌کند و مدعی می‌شود که علمای شیعه در نزد امرا و شاهان، احترام و رتبه والایی داشته‌اند و نسبت به علمای سنی مذهب آن شهرها نیز از نظر رتبه و درجه بالاتر بوده‌اند^۹ از جمله این که سلاطین سلجوقی از عالمان شیعی در دربار، جهت وعظ در مجالس و همچنین برای

۱. عبدالجلیل نقل می‌کند: «مجدالملک به رغم اینکه شیعه بود با اهل سنت به خوبی رفتار می‌کرد و عدالت را نسبت به همه اجرا می‌کرد و شیعه را بر مکاتب اهل سنت مقدم نمی‌داشت». (نک: قزوینی رازی، *تقصی*، ص ۸۳)

۲. قزوینی رازی فصلی از کتاب *التقصی* را به پاسخگویی این شبهه اختصاص داده است که: «چرا شیعیان در مجالس دیگر مذاهب شرکت می‌کنند؟» (نک: قزوینی رازی، *التقصی*، ص ۱۰۴): بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۶ ص ۱۹.

۳. به‌عنوان مثال در کتاب *عده الاصول* بارها از شافعی، ابوحنیفه، مالک، ابوعبدالله بصری و قاضی عبدالجبار معتزلی نقل قول کرده است. (نک: افشار، *الهیات حقوق تطبیقی*، ص ۳۶۵)

۴. بنا به نقل ابن خلکان سید مرتضی نیز از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای دانشمندان عراق از سنی و شیعه، شده بود. (ر.ک: ابن خلکان، *وفیات*، ج ۳، ص ۳۳۱ - ۳۱۴)؛ همچنین خطیب بغدادی که در زمره علمای بزرگ اهل سنت قرار داشت نیز از شاگردان ابوالفتح هلال بن محمد بغدادی شیعی بوده است. (نک: بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، ص ۷۵) براساس گزارش‌های تاریخی، شیخ طوسی در بغداد در حدود سیصد نفر شاگرد از علما و فقها داشته است که تعداد شاگردان اهل سنت وی بیشتر از شیعیان بوده است. (ر.ک: موسوی، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، ص ۲۷۷)

۵. همو، *الهیات حقوق تطبیقی*، ص ۱۷ - ۱۶؛ قاضی عبدالجبار نیز کتاب *المعنی* را نوشت در اثبات عقاید معتزلیان و دفع اشکالات وارد بر ابن‌راوندی (اواخر قرن چهارم هجری) که ابتدا بر مذهب اعتزال بود و به عللی مستبصر گردید و به مذهب امامیه گروید و کتابی در اثبات امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام به نام کتاب *الامامه* نوشت. بخش امامت کتاب *معنی* عبدالجبار بر شیعیان بسیار گران آمد و سید مرتضی علم‌الهدی از بزرگان شیعه کتاب شافی را در رد آن نوشت. (ر.ک: محقق، *مقدمه‌ای بر تلخیص الشافی شیخ طوسی*، ص ۴۸۳ - ۴۷۷)

۶. قزوینی رازی به نقل از نویسنده *فضائح الروافضی* می‌نویسد: «و چون دولت در دست خلفا بود و امیران عالمان بودند، روافض را زبون داشتندی و به تقیه ایشان فریفته نشدندی و به دین اسلام ایشان را لقب نوشتندی و در مجالس و مناظره ایشان را تمکین نکردندی». (ر.ک: قزوینی رازی، *تقصی*، ص ۳۱)

۷. نک به: آجاجری، «مبانی رفتار سیاسی عالمان شیعی امامی در سده‌های چهارم تا هفتم»، *مجموعه مقالات*، ص ۸۱.

۸. قزوینی رازی، *تقصی*، ص ۴۳؛ برای نمونه راوندی که از معتقدان به مذهب سنت بود در واکنش به اوضاع مطلوب اجتماعی شیعیان در روزگار خویش نوشته است: «خرابی جهان از آن خاست که عوانان و غمازان و بددینان ظالم، زبان در ائمه دین دراز کردند و ایشان را متهم کردند و تعصب و حسد در میان ائمه ظاهر شد و عوانان بددین از قم و کاشان و آبه و طبرش و ری و فراهان و نواحی قزوین و ابهر، جمله رافضی یا اشعری در لشکر سلطان افتادند و ملک با دست گرفتند». (ر.ک: راوندی، *راحه الصدور*، ص ۳۰)

۹. شخصی چون شیخ جعفر دوریستی (از اکابر علمای امامیه) آن‌چنان مورد احترام نظام‌الملک قرار می‌گرفته که خود شخصاً برای بهره‌بردن از درس وی هر دو هفته یک بار از ری به دوریستی می‌رفته است. (نک: قزوینی رازی، *تقصی*، ص ۱۰۸)

مناظره با عالمان دیگر مذاهب دعوت می‌کردند.^۱

علاوه بر این، شیعیان مناصب دینی همچون منصب نقابت را در دست داشتند. آنان با کنترل انساب سادات و ترویج مودت اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی و نیز کناره‌گیری از منازعات فرقه‌ای، در تحکیم موقعیت اجتماعی جامعه شیعی، سهمی ارزنده ایفا می‌کردند.^۲ گاهی نیز نقبا برای جلب اعتماد حاکمان وارد مسائل سیاسی می‌شدند.^۳ شیعیان امامی همچنین با برقراری ازدواج با خاندان سلاجقه در پی ارتقای جایگاه و حقوق اجتماعی و سیاسی خویش بودند.^۴ علاوه بر این، شیعیان در آبادانی و توسعه شهرها نیز در این دوره مشارکت فعالی داشته‌اند، از جمله مدارس، مساجد و آثار عمران و آبادانی که در شهرهای قم، کاشان، آبه، ورامین، ساری، سبزوار و شهرهای دیگر احداث کردند و همچنین خدمات آنان در ساخت مشاهد علوی و سادات فاطمی و خیرات و احسان‌های آنها^۵ که همه این‌ها دال بر قدرت و منزلت اجتماعی شیعیان می‌باشد.

۲. اوضاع سیاسی شیعیان در دوره سلجوقیان

سلطین سلجوقی با غلبه بر آل بویه و غزنویان، بر تمام قلمرو این دو خاندان (۴۸۵ - ۴۳۱ ق) تسلط یافتند.^۶ آنان برای تثبیت حکومت، مخالفان خود را محدود کرده و بر شیعیان سخت‌گیری می‌نمودند.^۷ البته شیعیان برای حفظ خویش ملاحظاتی کافی را داشتند و نمی‌خواستند تا با سنیانی که اکثریت را دارا بودند، خود را درگیر کنند و لذا راه اعتدال را در پیش گرفتند.^۸ همچنین بر اساس گزارش منابع تاریخی این سخت‌گیری از سوی سلاجقه بیشتر در مورد اسماعیلی‌ها^۹ بوده که به دنبال کسب قدرت بوده‌اند و به‌عنوان نمایندگان دولت فاطمی مصر در ایران به‌شمار می‌رفتند.^{۱۰}

۱. از جمله به دعوت ملک‌شاه و با حضور خواجه نظام‌الملک طوسی و عالمان اهل سنت در نظامیه بغداد مناظره‌ای میان عالم شیعی حسین بن علی علوی و ده تن از عالمان اهل سنت برپا شد که متن این مناظره را مقاتل بن عطیه داماد خواجه نظام‌الملک به رشته تحریر در آورده و آن را مومتمر علمای بغداد نام گذاشته است. (ر.ک: ابن عطیه البکری، مقاتل، مومتمر علماء بغداد، ص ۱۶۰ - ۱۵۹)

۲. نقابت به منظور صیانت از حقوق و رسیدگی به امور سادات و حفظ شأن و نسب سادات پدید آمده بود. (نک: بیهقی، لباب‌الانساب، ج ۲، ص ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۱۰)

۳. عبیدلی، تهذیب‌الانساب، ص ۱۱۷.

۴. راوندی، راحه الصدور، ص ۲۰۱؛ نمونه بارز این ازدواج‌ها عبارتند از: مجدالملک براوستانی قمی وزیر برکیارق سلجوقی بود که در مشورت سلطنت، قوت وزارت، فرماندهی و جهاننداری بجائی رسید که مادر سلطان برکیارق را به نکاح خود در آورد. ملک‌شاه نیز دختر خود خاتون سعیده سلم را به ازدواج اسپهبد علی شیعی (از حاکمان باوندی - حک: ۷۵۰ - ۴۱۹ ق) در آورد. نظام‌الملک نیز دختر خود را به عقد سیدمرتضی شیعی قمی در آورد و دختر امیر اشرف شاه جعفری شیعی را به نکاح پسر خود امیر عمر در آورد. (نک: قزوینی رازی، نقض، ص ۸۷، ۲۷۰، ۲۲۹)

۵. همان، ص ۷۹، ۸۰، ۸۲.

۶. حسینی، زبدة التواریخ، ص ۱۰۱.

۷. از جمله آبارسلان (۴۴۷ ق) فرمان لعن بر شیعیان را در خراسان صادر و دبیران و کارگزاران شیعی را از دستگاه سلطنت اخراج کرد. (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۳۳) گروهی از پژوهشگران غیر ایرانی تاریخ ایران نیز با توجه به اقدامات سلجوقیان چنین نتیجه گرفته‌اند که شیعیان در دوره سلجوقیان در رنج و سختی بسیار به سر می‌بردند و تنها با اتخاذ مواضع میانه‌روی و به‌کارگیری تقیه توانستند به زندگی خود در زیر سلطه سلجوقیان سنی مذهب ادامه دهند.

See: Spuler, "The Disintegration of Caliphate in The East", *The Cambridge History of Islam*, Great Britain, Cambridge University press, 1995, Vol. IA, p. 152.

کولبرگ نیز تصرف بغداد از سوی طغرل را نشانه پایان یافتن عصر طلایی شیعیان دانسته است.

See: Kohlberg, *Belief and Law in Imami Shiism*, p. 18.

۸. غلبه سیاسی و فرهنگی سنیان بر شیعیان بر آنها چنین تحمیل کرده بود تا در مواردی در مسجد خویش این جمله سنی را بنویسند که «خیر الناس بعد رسول الله (ص) ابوبکر ثم عمر ثم عثمان ثم علی». (نک: ابن جوزی، المنتظم، ج ۹، ص ۶۲۴) همچنین شیعیان در بغداد وادار شدند عبارت «حی علی خیر العمل» را ترک کنند و عبارت «محمد و علی خیر البشر» را از سر در همه مساجد شیعه پاک کنند. (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ج ۱۲، ص ۸۶) ۹. اسماعیلیان با عقیده به نامشروع بودن حاکمیت سلجوقیان همواره امامیه را به مماشات و همکاری با حکومت متهم می‌کردند و به تقیه معتقد نبوده و به قیام مسلحانه و براندازی حاکمیت اعتقاد داشتند. در حالی که شیعیان امامیه میانه‌رو و اهل تقیه بودند. اسماعیلیان می‌گفتند امامیه با قرآنی که از مبارزه دارند راه پیشرفت آنان را سد کرده‌اند و باید تضعیف شوند، به همین سبب در کنار مبارزه با حاکمیت سلجوقیان با شیعیان امامی نیز مخالفت می‌کردند. (شهرستانی، الملل والنحل، ص ۷۲)

۱۰. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۲۶؛ قزوینی، آثار العباد و اخبار العباد، ص ۴۱۳؛ مونتگمری وات معتقد است که اسماعیلیان ایران و فاطمیان مصر در مورد جایگزینی نظام سیاسی ناتوان بودند و رویکرد اسماعیلیان به ترور نیز از دیدگاه جامعه‌شناسانه در پیوند دقیق با نبود برنامه سیاسی ارزیابی می‌شود که ریشه در باورهای مذهبی آنان داشت و آنان فقط توانستند برای بیش از یک سده اسباب اشتغال خاطر عباسیان و سلجوقیان را فراهم آورند. (ر.ک: Watt, *Islam and The integration of society*, p. 69-72)

به‌خصوص از قدرت‌گیری اسماعیلیان نزاری به شدت در هراس بوده و برای مبارزه با آنان از مطرح کردن هیچ‌گونه اتهامی پروا نداشتند. از عوامل پیروزی شیعیان امامیه پیوند مستحکم آنان به عقیده مذهبی و جداکردن راه خود از اسماعیلیان و قرامطه بود.^۱

با مرگ ملکشاه (۴۸۵ ق) شرایط داخلی دستگاه حاکم از نظر مذهبی و فکری دست‌خوش تغییرات مهمی شد. آنان بعد از یک دوره فشار بر شیعیان در طول حکومت سه پادشاه اول سلجوقی (طغرل‌بیک، آلبارسلان و ملکشاه) با شیعیان برخوردی مسالمت‌آمیز داشتند، به‌ویژه روابط خوب ملکشاه با شیعیان موجب آرامش و فعالیت آنان گردید.^۲ به‌طوری‌که شیعیان در این عصر آزادانه و آشکارا مجالس تعزیه و سوگواری برای مصائب آل‌طه برپا داشته و ایام منسوب بدانان نزد همه فرق معروف بود.^۳ البته این تغییرات از اواسط قدرت‌گیری ملکشاه آغاز شد و پس از مرگ ملکشاه علناً شیعیان در پست‌های دیوانی به‌ویژه وزارت حضور یافتند.^۴ در زمان سلطنت سلطان سنجر نیز هرچند شیعیان آزادی عهد بویه‌یان را نداشتند لکن نسبت به ادوار دیگر بالنسبه مقتدرتر و از اعزاز و احترام بیشتری برخوردار بودند و به مقامات عالی سیاسی دست یافتند.^۵

الف) مشارکت شیعیان در امور حکمرانی

نخبگان شیعی در دوره سلجوقیان به‌منظور استمرار تکاپوهای علمی خویش، از طریق دست‌یابی به ساختار قدرت سیاسی و تصدی مناصب مهم (چون ریاست دیوان‌های استیفا، عَرَض و اِشراف و حتی مقام وزارت)^۶ بر توانمندی خود و حفظ جایگاه تشیع در جامعه کمک نموده^۷ و از این طریق برای دست‌یابی به اهداف والای خود افزودند.

ازجمله عواملی که سبب مشارکت شیعیان در امور سیاسی شد، اندیشه دست‌یابی به قدرت و خارج شدن از انزوای

۱. اشپولر، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ص ۳۳۲؛ برخی مخالفان شیعیان از جمله نویسنده کتاب *فضائح الروافض* کوشیده‌اند با بیان اشتراکات امامیه و اسماعیلیه، شیعیان امامیه را به تیغ سلجوقیان بسپارند. قسمتی از کتاب *التفض عبدالجلیل قزوینی* در پاسخ به این شبهات نوشته شده است. (نک: رضوی، «دفاع از امامیه و برائت از اسماعیلیه در النقض»، *مجموعه مقالات*، ج ۱، ص ۴۴۱) به‌طور کلی شیعیان اثنی‌عشری تندرستی‌ها و کج‌اندیشی‌های اسماعیلیه را از همان آغاز کار و دوره امام صادق علیه السلام نمی‌پذیرفتند. قدیمی‌ترین ردیه‌ها علیه اسماعیلیه را فضل بن شاذان شیعی (د ۲۶۰ ق) نوشت و عبدالجلیل قزوینی هم رساله‌ای قابل توجه علیه اسماعیلیه نگاشت که در حال حاضر مفقود است. (نک: *دفتری، افسانه‌های حشاشین یا اسطوره‌های فدائیان اسماعیلیه*، ص ۳۳ و ۶۴)

۲. ر.ک: ابن‌الجوزی، *المنتظم*، ج ۹، ص ۵۸۸ - ۵۸۶.

۳. چنان‌که ابن‌کثیر در ضمن وقایع سال ۵۰۰ ق می‌گوید: «و فی یوم عاشورا منها قتل فخرالملک ابوالمظفر بن نظام‌الملک». (ابن‌کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۱۲، ص ۱۶۷) همچنین در ضمن وقایع سال ۵۱۷ ق نوشته: «فی یوم عاشورا منها عاد الخلیفة من الحلة الی بغداد». (همان، ص ۱۹۳) صاحب *فضائح* - که از مخالفان سرسخت شیعه است - می‌گوید: «این طایفه روز عاشورا اظهار جزع و فرع کنند و مراسم تعزیت اقامه کنند و مصیبت شهدا کربلا تازه گردانند و علما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک زنند و زنان روی خود خراشند و مویه کنند...». عبدالجلیل به دنبال گفته صاحب *فضائح*، چگونگی اقامه این مجالس را در شهرهای شیعی و سهیم بودن حنفیان را بیان می‌کند و می‌نویسد: «و به ری که از امهات بلاد عالم است معلوم است که شیخ نصرآبادی و خواجه محمود حداد حنفی در کاروان‌سرای کوچک و مساجد بزرگ، روز عاشورا چه کرده‌اند؛ از ذکر تعزیت و لعنت ظالمان و در این روزگار آنچه هر سال خواجه امام شرف‌الائمه ابونصر الهمسنجانی کند در هر عاشورایی به حضور امراء ترکان و خواجگان و حضور حنفیان، معروف و همه موافقت نمایند و یاری کنند...». (قزوینی رازی، *تفض*، ص ۴۰۶ - ۴۰۲)

۴. راوندی، *راحة الصدور*، ص ۳۳ - ۳۲.

۵. نک: قزوینی رازی، *تفض*، ص ۷۹ و ۸۲ مورخان سنی این روزگار را روزگار غلبه روافض در بسیاری از نقاط می‌دانند. (ر.ک: ابن‌حزم، *رساله اسماء الخلفاء*، ج ۲، ص ۱۵۴)

۶. ازجمله وزرای شیعی این دوره عبارتند از: تاج‌الملک ابوالغنائیم، سعدالملک ابوالمحاسن (بنداری اصفهانی، *زبدة النصرة و نخبة العصرة*، ص ۷۰، ۱۰۹، ۲۴۵ و ۳۳۲)، مجدالملک قمی (قزوینی رازی، *تفض*، ص ۱۳۱)؛ انوشیروان بن خالد (ابن جوزی، *التنظم*، ج ۸، ص ۳۳۴)، مختص‌الملک کاشی (نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، ص ۹۹)، فخرالدین ابوطاهر اسماعیل کاشی (قمی، *تاریخ وزراء*، ص ۱۶۳)، معین‌الدین کاشی (قزوینی رازی، *تفض*، ص ۲۲۶) و... .

۷. یکی از آثاری که اوج تسلط شیعیان را بر ادبیات دبیری و اداری روزگار سلجوقی نشان می‌دهد، کتاب *تاریخ الوزرای* (۵۸۴ ق) نجم‌الدین ابوالرچای قمی شیعی است، به گفته ابن‌ندیم سراسر این کتاب مملو از اثر و نفوذ شیعیان و علویانی است که در ری و قم نفوذی تمام داشته و از ثروت و مکتبی عظیم هم برخوردار بوده‌اند. (ر.ک: ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۵۴)

سیاسی بود که در قالب شکل‌گیری دولت‌های شیعی در قرون سوم تا پنجم هجری توانست شیعه را بیشتر معرفی نموده و موجب قدرتمند شدن تشیع گردد^۱ که در این بین عصر آل‌بویه بستر رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی مضاعفی را برای شیعیان فراهم کرد. با این شرایط به نظر می‌رسید که خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی باید در نگاه و رابطه با شیعیان تغییراتی ایجاد نمایند و حضور شیعیان را در جامعه اسلامی جدی‌تر بگیرند.

از دیگر عوامل مهمی که در تمایل یافتن شیعیان در امور حکمرانی نقش داشت، حضور عالمان شیعی آگاه و بیدار^۲ و ارائه آرای مبنی بر جواز همکاری نخبگان شیعی با حاکم جائز^۳ با توجه به شرایط (رعایت منافع شیعیان، رفع ستم از آنها، احقاق حق و ابطال باطل در حالت اجبار، اضطراب و تقیه) بود. البته همکاری نباید موجب معصیت شود.^۴ از سوی دیگر از آنجایی که زیربنای تفکر شیعیان در تعامل با اندیشه اهل سنت بر حفظ حیات و استقلال بنا نهاده شده بود، تلاش همه جریان‌های فعال شیعی به نوعی برای دستیابی به این اندیشه بود. این طرز تفکر نیز متأثر از آموزه‌های امامان علیهم‌السلام شیعی بود که تأکید فراوانی بر دفاع از حریم اسلام و تشیع، جلوگیری از پراکندگی و حفظ وحدت دینی داشتند. به دنبال این اندیشه، عالمان عقل‌گرای شیعی این دوره با به‌کارگیری شیوه تسامح و تقیه، توانستند زمینه تعامل شیعیان امامی و سنی مذهب را فراهم آورند، لذا در دوره سلجوقی شاهد افزایش همکاری و مشارکت شیعیان در امور حکمرانی هستیم.^۵

ب) حمایت سلاطین سلجوقی از جریان‌های تولید دانش و دانشمندان

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد زمینه مساعد علمی و رونق بازار دانش و معرفت، وجود وزیران دانشمند و ادب‌پروری بود که غالباً با سمت دبیری و با تکیه بر دانش خویش به درگاه امرا و خلفا راه یافته و به مدارج عالی ترقی - تا مرتبه وزارت - نائل شدند. یکی از این اندیشمندان، خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵ - ۴۰۸ ق) بود.^۶ در روزگار سلجوقیان با تأکیدی که بر تحصیلات عالی می‌شد، روند بروز حیات فکری و فرهنگی شتاب گرفت، به طوری که اکثر سلاطین سلجوقی و وزرای آنها ادیبان، علما و فقها را مورد حمایت قرار داده و ایشان در مجامع علمی حضور می‌یافتند.^۷ نقش این دوره طلایی اسلامی در عرصه‌های علمی و فرهنگی با تأسیس نظامیه‌ها (۴۵۸ ق) - به‌عنوان نخستین دانشگاه ایرانی پس از اسلام که نزدیک به تشکیلات امروزی است و بنای آن به نقل ابن خلکان به‌دست خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر شافعی مذهب سلجوقی و پرچم‌دار یک نهضت بزرگ آموزشی - آغاز شد. وی خواجه را اولین شخصیتی برشمرده که در اسلام به تأسیس مدارس پرداخته و دیگران از او پیروی کردند.^۸ دستاورد این مراکز، کامیابی‌های فرهنگی بسیاری از

۱. برآمدن دولت‌هایی مانند آل ادریس (۳۷۵ - ۱۷۲ ق)، علویان طبرستان (۳۱۶ - ۲۵۰ ق)، آل‌بویه (۴۴۷ - ۳۳۴ ق)، فاطمیان مصر (۵۶۴ - ۳۵۹ ق)، دولت محلی بنی مزید در حله (۵۴۵ - ۴۰۳ ق) و همچنین نزدیکی خاندان‌های شیعی به بدنه قدرت همچون آل‌برید، آل‌فراء و آل‌نوبخت در قرون سوم و چهارم زمینه طرح دیدگاه‌های شیعی و خارج شدن از انزوا سیاسی را مهیا کرد.

۲. عالمانی همچون سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)، ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ - ۳۴۷ ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ق)، حسن بن طبرسی و ابن ادریس حلی (۵۹۸ - ۵۴۲ ق). (نک: کدیور، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، ص ۱۵)

۳. از دیدگاه شیعه مشروعیت حاکم زمانی بدست می‌آید که از سوی امام معصوم علیه‌السلام و یا نایب او منصوب یا مأذون باشد. در زمان حضور ائمه معصومین علیهم‌السلام مشروعیت هرگونه حکومتی نزد شیعیان مخدوش بود. پس از جریان غیبت، شیعیان در مسئله حکومت با چالش مواجه شدند و هرگونه نظام سیاسی از منظر اندیشه سیاسی غالب علمای این دوره فاقد مشروعیت تلقی شده و تعامل با چنین حکومت‌هایی جایز شمرده نمی‌شد اما از این دوره به بعد در اثر رشد فقاقت و اجتهاد شیعی دیدگاه علمای بزرگ شیعی نیز متحول شد. (ر.ک: احمدی طالشیان، تحول مفهوم حاکم جائز در فقه سیاسی شیعه، ص ۳۴)

۴. ر.ک: موسوی بغدادی (علم الهدی)، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۸۹؛ حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۹۲ - ۱۰۱ - ۴۲۳؛ طوسی، النهایه، ص ۳۰۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۱۹؛ حلبی، السرائر، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. قزوینی رازی نیز بر آن است تا نشان دهد سلاجقه مشکل خاصی برای شیعه امامیه بوجود نیاورده و با تسامح با آن برخورد کرده‌اند؛ (نک: قزوینی رازی، نقض، ص ۴۱، ۶۴، ۶۵، ۱۰۸، ۱۱۳) صاحب فضایح نیز از این نکته تأسف می‌خورد که در زمان او که احتمالاً اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است وضعیت متفاوت شده آن گونه که: «کنون خدایان همه ترکان و حاجب و دربان و فراش، بیشتر رافضی‌اند و بر مذهب رفض مساله می‌گویند و شادی می‌کنند بی‌بیمی و تقیه‌ای». (نک: همان، ص ۱۱۳)

۶. سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۱۴۰.

۷. ابن جوزی، منتظم، ج ۱۰، ص ۲۵۹ و ۲۶۵ - ۲۶۴.

۸. مقریزی، المواعظ، ج ۴، ص ۱۹۲؛ ابن خلکان، وفيات، ج ۱، ص ۱۸۰ و ۲۰۲؛ همچنین سبکی می‌نویسد: «نظام‌الملک در هر شهری از عراق و خراسان یک مدرسه ساخت». (ر.ک: به: سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۳، ص ۱۳۷) عمادالدین اصفهانی نیز می‌گوید: «در هر شهری که نظام‌الملک

دانشمندان و پژوهندگان این مدرسه‌ها بود که به‌بار نشست. بررسی منابع آن عصر نشان می‌دهد که شیعیان نیز در رقابت با هم‌شهری‌های سنی‌مذهب خود در ساخت مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها در مناطق شیعه‌نشین آن روزگار^۱ همواره نقش مهمی را ایفا نموده و با ایجاد مراکز علمی^۲ و تربیت دانشوران برجسته با تألیفات ارزشمند، نقش بارزی در گسترش مفاهیم مذهب تشیع و رونق فقهی مکاتب شیعی و سازمان‌دهی نهاد مرجعیت شیعی به همراه طرح آرای علما پیرامون فقه سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. به این ترتیب اعتبار علمی شیعیان را افزایش داده و بر توانایی خویش برای مقابله با مخالفان عقیدتی افزودند. به‌نظر می‌رسد رقابت آنان با هم‌شهری‌های سنی‌مذهب خود در این امر مؤثر بوده است و جامعه شیعی با اتکا به علمای مصمم و پرشور خود و با برخورداری از نهادهای علمی در رقابت با مدارس نظامیه‌ها و تربیت عناصر ورزیده علمی و فرهنگی، بر توانمندی‌های علمی خود افزوده و آثار متعددی را خلق نمودند.^۳

نتیجه

بنابر شواهد تاریخی، با توجه به اینکه عصر سلجوقیان دوره رونق مذهب اهل سنت بود، علی‌رغم این شهرت با بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی شیعیان در این دوره دریافتیم که شیعیان در این دوره از آزادی نسبی برخوردار بوده و شرایط مناسبی را برای رشد و شکوفایی در بسیاری از عرصه‌ها از جمله تکاپوهای علمی داشتند. عوامل اجتماعی و سیاسی که موجب فراهم‌شدن افزایش تکاپوهای علمی شیعیان در این دوره شد، عبارتند از: فراهم‌شدن بستر رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی شیعیان در دوره آل‌بویه؛ در پیش گرفتن سیاست تعامل توسط علمای شیعی با بزرگان و پیشوایان سنی‌مذهب؛ سخت‌گیری سلاطین سلجوقی نسبت به اسماعیلیان قدرت‌طلب و آزادی نسبی امامیان؛ توفیر و ترفیع منزلت اکابر شیعه، سادات و علویان از سوی سلاجقه و مردم؛ مشارکت شیعیان در امور حکمرانی که این امر با برآمدن دولت‌های شیعی مقتدر و خروج شیعیان از انزوای سیاسی، حضور عالمان شیعی آگاه و عقل‌گرا و گسترش و تعمیق فرهنگ شیعه و ارائه آرائی مبنی بر جواز همکاری نخبگان شیعی با حکومت جائز در شرط خاص با حفظ اصول مذهب و بکارگیری شیوه تسامح و تقیه ... حاصل شد. همچنین حمایت وزرای سلجوقی از علم و دانش و تأسیس مدارس نظامیه و رقابت شیعیان با سنی‌مذهبان در تأسیس نهادهای علمی در مناطق شیعه‌نشین، عواملی شد برای تحقق رشد تکاپوهای علمی شیعیان و تربیت عالمانی برجسته و خلق آثاری ارزشمند در علوم اسلامی و محض. بدین معنا که ضمن گسترش عقاید خود، تلاش‌های علمی و فرهنگی خود را فزونی داده و زمینه افکار عمومی را برای ایجاد حکومتی شیعی در قرن‌های آینده آماده کردند.

- مردی دانشمند می‌یافت بی‌درنگ مدرسه‌ای برای او می‌ساخت تا در آنجا به تدریس پردازد و درآمدی از وقف بدان ویژگی می‌داد و آن را به کتابخانه‌ای می‌آراست». (ر.ک: به: عمادالدین کاتب، *تاریخ دولة آل سلجوق*، ص ۵۷)
۱. قزوینی رازی می‌نویسد: «شیعیان در شهرهای خود مدارس عالی پی افکندند و اگر به تعدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب تا حران و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چند است، طومارات کتب خواهد». (نک: به: قزوینی رازی، *تفض*، ص ۳۸ - ۳۴)
۲. بنابر قرائن تاریخی نهاد آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه‌های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود و از آن به بعد مدفن امامان و اهل بیت علیهم‌السلام از جمله نجف اشرف و شهرهای کاظمین و سامراء در عراق و شهرهای قم و مشهد و سایر نقاط گردید. لذا ایران و عراق، مرکز تجمع علمای شیعه در نایب اسلام شد. از جمله مدارس مشهور شیعی ری و قم مدرسه: سید تاج‌الدین محمد گیلکی، شمس الاسلام حسکا بابویه، سید زاهد ابوالفتوح؛ خواجه امیرک شیعی؛ خواجه عبدالجبار مفید؛ کوی فیروزه؛ خواجه امام رشید رازی؛ شیخ حیدر مکی؛ اثیرالملک، سعد صلت، سید سعید عزالدین مرتضی، سید امام زین‌الدین امیره، شرف شاه الحسنی، مدرسه‌ای جناب مشهد مطهر فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم‌السلام، ظهیرالدین عبدالعزیز، استاد ابوالحسن کمبج، شمس‌الدین مرتضی، مرتضی کبیر، شرف‌الدین و در آبه مدرسه: عزالملکی و عرب شاه، در ورامین: مسجد جامع و مدرسه رضویه و فتحیه، (ر.ک: قزوینی رازی، *تفض*، ص ۴۷۳، ۴۷، ۴۸، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۹، ۲۰۰) در خراسان مدرسه: مشهد امام رضا علیهم‌السلام، پریراد، بالاسر، دودر، امیرسیدی، (ر.ک: ابن بطوطه، *سفرنامه*، ج ۱، ص ۴۴۱) در بیهق مدرسه: بیهقیه، دروازه عراق، (ر.ک: حموی، *معجم الادب*، ج ۶ ص ۱۶۳ - ۱۵۶) در یزد مدرسه: رکنیه، شمسیه و مدرسه وقت و ساعت، مدرسه مجدی در کاشان (ر.ک: رازی، *فقت اقلیم*، ج ۱، ص ۱۴۸ - ۱۴۷) حوزه علمیه قزوین، (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۳، ص ۴۰۴) در عراق: حوزه علمیه بغداد؛ کتابخانه بزرگ محله کرخ (ر.ک: ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۴، ص ۲۷) در نجف: حوزه نجف، مدرسه تاجیه، مسجد اعظم کوفه، مسجد بنی الحمر، حوزه علمیه حله. (ر.ک: منتجب‌الدین، *الفهرست*، ص ۳۲ و ۶۲)
۳. ر.ک: جداول فهرست عالمان شیعی در علوم اسلامی و محض، ص ۱۵.

نام	آثار	منبع
علی بن عیسی کحال م ۳۳۰ ق، بغداد	تشریح العین - تذکره الکحالیه - منافع الحیوان نخستین بار در جراحی چشم از داروی بیهوشی استفاده کرد.	ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۴۷
محمد جوزجانی د ۴۰۳ ق، طبرستان	اصول هندسه - مختصر کتاب اقلیدس - المختصر فی القلم الموسیقی - شرح قصیده عینیّه - المختصر مجسطی - مقدمه کتاب الشفا - تفسیر مشکلات قانون - الحیوان	صفا، تاریخ علوم عقلی، ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۷۷.
شهمردان رازی د ۴۲۵ ق، ری	روضه المنجمین - نزهت نامه علایی - حل الرموز السماویه من اجل الكنوز الدنیایه، کتاب البدایع در تاریخ و کتابی درباره کیمیا، اخبار فرس و سرود نامه پهلوی	محقق، مراکز علمی ری و تأثیر آن در ایران، ص ۲۲۱.
ابوریحان بیرونی م ۳۶۳ ق، خوارزم	التفهیم فی اوائل صناعه - تحدید نهایات الاماکن - الآثار الباقیه عن القرون الخالیه - دائره المعارف نجومی - التفهیم فی اوائل صناعه - الصیدنه فی الطب	حموی، معجم الادباء، ج ۲، ص ۹۳
علی بن احمد نسوی د ۴۷۳ ق، ری	المقتع فی الحساب الهندی - البلاغ فی شرح کتاب اقلیدس - الاشباع فی شرح الشکل القطاع - تفسیر ماخوذات ارشمیدس - التجرید فی الهندسه - فی عمل الدائره - بازنامه - الزیج الفاخر - اختصار صور - الكواكب - التسویه - شرح طب جالینوس	قربانی، نسوی نامه، ص ۱۲۱ - ۳۳
عبدالجلیل السجزی م ۴۷۷ ق، سیستان	المدخل الی علم الهندسه - فی وصف القطوع المخروطیه - عمل المسبع فی الدائره - تحصیل ایقاع النسبه المولفه الاثنی عشره فی شکل قطاع المسطح - فی صنعه الآله تعرف بها الابعاد و عمل هذه الآله - فی کیفیه صنعه النجومیه - فی کیفیه صنعه جميع الاسطرلابات - الجامع علی الجمال و المواقع فی علم النجوم - عمل مثلث حاد الزوايا من خطین مستقیمین مختلفین، احکام الاسعار - تحویل الموالبید	قربانی، زندگی نامه ریاضی دانان دوره اسلامی، ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۳.
محمد بن احمد بیهقی م ۴۸۵ ق، بیهقی	فی المخروطات و الهندسه - الحساب و الجبر - المقابله - علم الحیل	طوقان، تراث العربی العلمی فی الرياضیات، ص ۳۳۱
ابوالحسن طبیب م ۵۴۷ ق، بغداد	المعنی فی تدبیر الامراض و العلل و الاعراض - فی صفات ترکیب الادویه - خلق الانسان - التلیخیص النظامی فی الطب - کتاب فی الیرقان	صفدی، الوافی، ج ۱۳، ص ۹۱ - ۹۰
علی بن فضل الله سالار حسام الدین، د ۵۱۳ ق	تبیین مصادره اقلیدس فی الخطوط المتوازیه - زیج شاهی - جامع قوانین علم الهیئته - رساله در استخراج سمت قبله - طرائق حکماء	همای، خیامی نامه، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۲۹۴ - ۲۸۱
ابوحاتم اسفزاری د ۵۱۵ ق، سبزوار	اختصار فی اصول اقلیدس - مقدمه فی المساحه - خلاصه کتاب الحیل بنو موسی - مراکز الاثقال - اختصار اصول اقلیدس - رساله ای در هیدرولیک و مکانیک - آثار علوی یا کائنات جو (زبان فارسی) - ساخت ابزارهای مکانیکی - رصد اعتدال بهاری - ساخت ترازوی ارشمیدس	بیهقی، تتمه صوان الحکمه، ص ۱۶۳
عبدالرحمان خازنی د ۵۲۵ ق، خراسان	المسائل العددیة - تفسیر مقاله العاشره من اقلیدس - میزان الحکمه - زیج الصفائح - سرالعالمین فی الهیئته - فی اتخاذ کره تدور بذاتها بحرکه مساویه - اختراع ابزارهای نجومی - رویت هلال ماه و نظریه گرفتگی ها و زیج سنجرى	بیهقی، تاریخ حکماء الاسلام، ص ۱۶۱
عمر خیام نیشابوری م ۵۲۶ ق، نیشابور	فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله - فی شرح مااشکل من مصادرات اقلیدس - میزان الحکمه - قسطاس المستقیم - مسائل الحساب - مشکلات الحساب - طرق هندسی برای استخراج جذر و کعب - رساله زیج ملکشاهی - لوازم الامکنه - روضه القلوب - ضیاء العلی - ترجمه خطبه ابن سینا - مشکلات ایجاب - عیون الحکمه - رساله معراجیه - روضه القلوب - ضیاء العلی تدوین تقویم جلالی - شرح خطوط موازی و نظریه نسبت ها - موسس مکتب علم جبر - طبقه بندی معادلات جبری	بیهقی، تاریخ حکماء الاسلام، ص ۲۳ - ۱۱۹
سید اسماعیل جرجانی م ۵۳۱ ق، جرجان	ذخیره خوارزمشاهی (نخستین دائره المعارف پزشکی به فارسی) - خفی علایی - الأغراض الطبییه والمباحث العالییه - یادگار - زبده الطب - فی حفظ الصحه در علم تشریح - التذکره الاشرفیه - الطب الملوکی - تدبیر الیوم و لیله - ترجمه قانون ابن سینا به فارسی - ترجمه ذخیره خوارزمشاهی به عربی - الرد علی الفلاسفه - القیاس - التحلیل	سمعانی، التحبیر، ج ۱، ص ۹۱ - ۹۰

نام	آثار	منبع
ابوالفتح دیلمی ۴۴۴ ق، طبرستان	تفسیر القرآن الکریم - العهد الاکید فی تفسیر قرآن المجید - البرهان فی تفسیر غریب القرآن	زرکلی، الاعلام، ج ۷، ص ۳۴۷
محمد بن حسن طوسی، ۴۶ ق، خراسان	عده الاصول - تهذیب و استبصار (از کتب اربعه شیعه) - اختیار الرجال - الفهرست - التبیان فی تفسیر القرآن	تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۳۲۸
فضل بن حسن طبرسی م ۵۴۸ ق، سبزوار	جوامع الجامع - الکافی الشافی - مجمع البیان فی تفسیر القرآن (در ۱۰ جلد از نظر شیوه تدوین و تبویب در میان همه تفاسیر فریقین و فارسی و عربی بی سابقه است)	صدر، تاسیس الشیعه، ص ۳۴۰ و ۴۱۹ .
ابوالفتح رازی م ۵۵۴ ق، ری	روض الجنان و روح الجنان (اولین و قدیمی ترین تفسیر مفصل به زبان فارسی در ۲۰ جلد) - روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب	آقابزرگ، الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴
ابوجعفر بیهقی م ۵۴۴ ق، خراسان	تاج المصادر - المحيط بلغات القرآن - ینایع اللغه - المحيط بعلم القرآن	بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۱۶۷ - ۱۶۶
ظہیرالدین ابوالحسن علی ابن فندق م ۵۶۵ ق، خراسان	تفسیر بیهقی - اسئله القرآن مع الاجوبه - احکام القرآن - اعجاز القرآن - قرائی آیات القرآن - قصص القرآن - شرح بر نهج البلاغه (نخستین شرح)	زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۲۹۰
قطب‌الدین ابوالحسن راوندی م ۵۸۹ ق، کاشان	آیات الاحکام - احکام الاحکام - الانجاز فی شرح الايجاز - رحل المعقول - الشافیه فی الغسله الثانيه - الخمس - من حضره الاداء و علیه القضاء - رساله الفقهاء - مشکلات النهایه - المنتهی فی شرح النهایه - الرايع فی الشرايع - النيات فی جميع العبادات - نهيه النهایه - فقه القرآن - المستقصى - تحفه العلیل - فی صحه احاديث اصحابنا - شرح الكلمه المائه - ضیاء الشهاب - لباب اللباب - المجالس فی الحدیث - دعوات - شرح الكلمات المائه لامير المومنين - شرح نهج البلاغه - تفسیر راوندی - جواهر الكلام	منتجب‌الدین، فهرست، ص ۷۶
ابن‌ادریس حلی م ۵۹۸ ق، حله	السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی - المسائل - خلاصه الاستدلال فی المواسعه و المضایقه، المختصر فی المضایقه	عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۵
رشیدالدین محمد ابن شهر آشوب م ۵۸۸ ق، طبرستان	مشابه القرآن و مختلفه - الطرائق فی الحدود و الحقائق - المخزون و المکنون فی عیون الفنون - مائده الفائده - المثل فی الامثال - معالم العلماء - مناقب آل ابی طالب - البرهان فی اسباب نزول القرآن - مثالب النواصب	همو، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۱۰
محمد بن حسن فتال نیشابوری م ۵۰۸ ق، خراسان	روضه الواعظین - التنویر فی معانی التفسیر و بصیره المعتملمین	قزوینی رازی، النقض، ص ۱۹۳ .
جعفر بن محمد دوریستی م ۴۷۴ ق، ری	الکفایه فی العبادات - یوم و لیله - الاعتقادات بر رد صوفیه - الحسنی - الرد علی الزیدیه	منتجب‌الدین، فهرست، ص ۳۷
عبدالجلیل قزوینی رازی م ۵۶۶ ق، ری	بعض مثالب النواب فی نقض بعض فضائح الرواض - تنزیه عائشه - البراهین	همو، فهرست، ص ۱۰۰
مویدالدین طفرائی اصفهانی م ۴۸۶ ق، ری	صبح التقویم - اسرار الحلقیه - جامع الاسرار - تراکیب الانوار - حقایق الاستشهاد - الارشاد الی الاولاد - الاحسان فی علم المیزان - الخمائیر - ذات القوائد - فی تبیین الحجر - الواضح فی فک الرموز - رساله خاتمه - صحیفه الناموس الحکمی فی تهذیب احجار السبعه - افعال الطبیعه - شرح دیوان منتبى - مفاتیح الحکمه و مصابیح الرحمه به فارسی - مفاتیح الرحمه و اسرار الحکمه	سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۲۹۳
سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله راوندی د ۴۰۸ ق، ری	مقاربه الطیه فی مقارنه النیه - الاربعون فی الاحادیث - ضوالشهاب - نوادر - الرساله الذهبیه - ذات الحواشی - الکافی فی التفسیر - دیوان سیدالرضا راوندی - نظم العروض	طوسی، الرجال، ج ۱، ص ۲۸۰

نام	آثار	منبع
السید شرف‌الدین الایلاقی م ۵۲۶ ق، خراسان	اقراباذین - الاسباب والعلامات فی الطب - الفصول الایلاقیه - فی مساحه الاشکال - شرح مقاله دهم ابن دینارشرابی	پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۷۱.
علی بن زید بیهقی م ۵۶۵ ق، خراسان	جوامع الاحکام الحساب - دره الوشاه - الفرائض بالجدول - خلاصه الزیجه - معرفه ذات الحلق والکره والاسطرلاب - احکام القرانات - جوامع احکام النجوم ۳ ج - اسامی الادویه - بساتین الانس و دساتین الحدثی برهین النفس - مناهج الدرجات الامارات فی شرح الاشارات تاریخ بیهقی - تتمه صوان الحکمه - مشارب التجارب وغوارب الغرائب	بیهقی، لباب الانساب، ج ۱، ص ۱۷۶.

منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ طهرانی، *الذریعه الي تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. آقاجری، سید هاشم، «مبانی رفتار سیاسی عالمان شیعی امامی در سده‌های چهارم تا هفتم»، *مجله بازتاب اندیشه*، ۱۳۸۰، ش ۱۹، ص ۷۴-۶۹.
۳. آل محبویه، جعفر الشیخ باقر، *ماضی النجف و حاضرهما*، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۶ م.
۴. ابن ابی اصیبه، احمد بن قاسم، *عیون الانبا فی طبقات اطباء فرانکفورت*، *معهد تاریخ العلوم العربیه و الاسلامیه*، ج ۱، ۱۹۹۵ م.
۵. ابن اثیر، ابی الحسن علی بن ابی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۶. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *الرحله*، قاهره، بی جا، ۱۳۵۷ ق.
۸. ابن حزم، علی بن احمد، *رساله اسما الخلفا*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۹. ابن خلکان، ابوالعباس، *وفیات الاعیان*، بیروت، دار الثقافه، ۱۳۱۰ ق.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، بی تا.
۱۱. ابن طباطبای، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر، *منقله الطالبیه*، ترجمه محمد رضا عطایی، تحقیق: مهدی الخراسان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. ابن طقطقی، محمد بن علی، *الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*، بیروت، دار صا، بی تا.
۱۳. ابن عطیه البکری، مقاتل، *مؤتمر علماء بغداد*، ترجمه علی لواسانی، تهران، شبر، ۱۳۸۰.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت، دار عالم الکتب، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. ابن ندیم، اسحاق بن محمد، *الفهرست*، به کوشش گوستاو فلوگل، بی جا، لایپزیک، ۱۸۷۲ - ۱۸۷۱ م.
۱۶. احمد امین، *ظهور الاسلام*، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۶۳ م.
۱۷. احمدی طالبشیان، محمد رضا، *تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۸. ادربیسی، محمد بن محمد، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، قاهره، الثقافه الدینیة، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. اشپولر و دیگران، *تاریخ نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۸.
۲۰. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، *مسالك و ممالک*، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۱. افشار، حسن، «الهیات حقوق تطبیقی»، *مجموعه مقالات هزاره شیخ طوسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۲. بنداری اصفهانی، عماد فتح بن علی، *زبدہ النصره و نخبه العصر*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۲۳. بیهقی، ابوالحسن علی، *تاریخ بیهقی*، تصحیح بهمنیار احمد، بی جا، چاپخانه اسلامی، ۱۱۲۶ ق.
۲۴. بیهقی، ابوالحسن علی، *تتمه صوان الحکمه*، به کوشش محمد شفیع، لاهور، بی نا، ۱۳۵۱ ق.
۲۵. بیهقی، ابوالحسن علی، *لباب الانساب*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. پاشا بغدادی، اسماعیل، *هدیه العارفین*، طهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۹۶۷ م.

۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تهران، چاپ محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵.
۲۸. حسینی، صدرالدین، *زیده التواریخ*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
۲۹. حلبی، تقی‌الدین، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. حلبی، ابن‌ادریس، *السرائر*، قم، اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۱. حموی، یاقوت، *معجم الادیاء*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۳۲. حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳۳. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق عبدالقادر مصطفی عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. دفتری، فرهاد، *افسانه‌های حشاشین یا اسطوره‌های فدائیان اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه‌روز، ۱۳۷۶.
۳۵. ذهبی، شمس‌الدین، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۷۴ ق.
۳۶. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. رازی، امین احمد، *هفت اقلیم*، تصحیح جواد فاضل، بی‌جا، کتابفروشی ادبیه، بی‌تا.
۳۸. رازی، علی بن بابویه، *فهرست منتخب الدین*، تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی، قم، مهر، ۱۳۶۶.
۳۹. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، به کوشش جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۴۰. رضوی، رسول، «دفاع از امامیه و برائت از اسماعیلیه در النقض»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، قم، دبیرخانه کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، ۱۳۸۹.
۴۱. زبردی، نیره، «حضور شیعیان در مناصب سیاسی - اداری سلجوقیان»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ۸، ۱۳۹۷، ش ۲۹، ص ۴۷-۲۲.
۴۲. زبردی، نیره، *دستاوردهای علمی شیعیان در دوره سلجوقیان*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۷.
۴۳. زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، دار العلم، ۱۳۹۶.
۴۴. سبکی، تاج‌الدین، *طبقات الشافعیه*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۲۴ ق.
۴۵. سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم، *الانساب*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۴۶. سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم، *التحییر فی المعجم الکبیر*، تحقیق منیره ناجی سالم، بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۹۰ ق.
۴۷. شوشتری، سید نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷.
۴۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، قاهره، مکتبه المصریه، بی‌تا.
۴۹. صدوق، علی بن بابویه قمی، *معانی الاخبار*، تصحیح علی‌اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ق.
۵۰. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۵۱. صفدی، صلاح‌الدین، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱ ق.
۵۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۵۳. طوسی، ابی‌جعفر محمد، *الفهرست*، تحقیق صادق بحر العلوم، قم، منشورات رضی، بی‌تا.
۵۴. طوسی، ابی‌جعفر محمد، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی*، بیروت، دار الکتب، ۱۴۰۰ ق.
۵۵. طوسی، ابی‌جعفر محمد، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۵۶. طوقان، قدری حافظ، *تراث العربی العلمی فی الرياضیات و الفلک*، جامعه الدول، دار الشروق، ۱۳۴۲ ق.
۵۷. عیدلی، ابی‌الحسن، *تهذیب الانساب و نهایه الاعقاب*، قم، کتابخانه آیت‌الله نجفی، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، حیدرآباد دکن، مجلس دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۳۱ ق.
۵۹. عمادالدین کاتب اصفهانی، محمد بن صفی‌الدین، *زیده النصره و نخبه العصر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
۶۰. قربانی، ابوالقاسم، *زندگی‌نامه ریاضی‌دانان دوره اسلامی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.
۶۱. قربانی، ابوالقاسم، *نسوی‌نامه*، تحقیق در آثار علی بن احمد نسوی، تهران، زر، ۱۳۵۱.

۶۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *التقص، تصحیح جلال‌الدین محدث*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۶۳. قزوینی، زکریا بن محمد، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
۶۴. قفطی، جمال‌الدین، *تاریخ الحکما*، به کوشش بهمن دارائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۶۵. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، بی‌نا، ۱۳۱۳.
۶۶. قمی، نجم‌الدین ابوالرجا، *تاریخ الوزرا*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۶۷. کحاله، عمررضا، *معجم المؤلفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۷ م.
۶۸. کدیور، جمیله، *تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸.
۶۹. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، *زین‌الخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۷۰. لسترنج، گئی، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
۷۱. محقق، مهدی، *مراکز علمی ری و تأثیر آن در ایران*، تهران، بیست گفتار، ۱۳۶۸.
۷۲. محقق، مهدی، *مقدمه‌ای بر تلخیص الشافی شیخ طوسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۷۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۷۴. مستوفی، حمدالله، *نزهة القلوب*، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
۷۵. مقریزی، احمد بن علی، *کتاب المواعظ و الاعتبار*، قاهره، بی‌نا، ۱۹۱۱ م.
۷۶. موسوی بغدادی، *رسائل الشریف المرتضی*، بی‌جا، خیام، ۱۴۱۰ ق.
۷۷. موسوی، سید حسن، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ق.
۷۸. نسفی، نجم‌الدین، *القند فی ذکر علما سمرقند*، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
۷۹. نیشابوری، ظهیرالدین، *سلجوق‌نامه*، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۲.
۸۰. همایی، جلال‌الدین، *خیامی‌نامه*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۶.
81. Kohlberg, Etan, *Belief and Law in Imami Shiism, Great Britain*, Variorum, 1991.
82. Spuler, B., "The Disintegration of Caliphate in The East", *The Cambridge History of Islam*, Great Britain, Cambridge University press, 1995.
83. Watt, Montgomery, *Islam and The integration of sociery*, London, Routledgek & Kegan paul Ltd, 1961.

